



بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً تبریک عرض میکنم ایام متعلق به ولادت بانوی دو عالم، سیده‌ی زنان اهل بهشت، حضرت صدیقه‌ی طاهره (سلام الله علیها) را. این جلسه بحمدالله جلسه‌ی بسیار مهم و باارزشی از آب در آمد. اولاً حضار محترم، بانوان برجسته‌ی بخشهای مختلف زندگی اجتماعی و زندگی علمی ما و نخبگان حقیقی جامعه‌اند؛ چه استادان محترم و برجستگان میدانهای مختلف علمی و فنی و غیره، و چه خانواده‌های محترم شهیدان، این همسر محترم شهید و مادر چهار شهید؛ که اینها نمونه‌ای هستند از اوج حرکت بانوان به سمت کمال و تعالی. بحمدالله این مجلس از همه جهت مجلس برجسته و ممتازی است. اهمیت دیگر این جلسه، جنبه‌ی نمادین بودن آن است. یقیناً در سرتاسر کشور بانوان محترم دیگری هستند که برجستگی‌هایی را کسب کرده‌اند، از خود نشان داده‌اند و سرمایه‌هایی برای پیشرفت کشور و آینده‌ی کشورند. این جلسه، نمادی از مجموعه‌ی حرکت عظیم بانوان کشور ماست.

مطالبی که خانمها اینجا بیان کردند، تقریباً مشتمل بود بر همه‌ی جوانب بحث مربوط به زن، از آن جهتی که نظام اسلامی و جمهوری اسلامی باید به این مسئله نگاه کند و آن را دنبال کند. من با دقت حرفها را گوش کردم. تقریباً همه‌ی آن چیزهایی که امروز در مورد مسئله‌ی زنان میتواند عنوان بحث و تحقیق و مطالعه و بر اساس آن، برنامه‌ریزی در کشور صورت بگیرد، در بیانات خانمها بود. این خیلی برای من جالب و خرسند کننده است. خب، حالا تا همین جای قضیه اگر بخواهیم یک قضاوتی را مطرح کنیم، آن قضاوت این خواهد بود که نظام جمهوری اسلامی توانسته است به یک قله‌ای دست پیدا کند که عبارت است از پرورش زنان فرزانه و صاحب اندیشه و صاحب رأی و نظر در ظریفترین و حساسترین مسائل یک جامعه، که حالا عرض خواهم کرد. مسئله‌ی زن - که امروز در دنیا باید به عنوان «بحران زن» آن را نامید - یکی از اساسی‌ترین مسائل هر تمدنی، هر جامعه‌ای و هر کشوری است. در این مورد، شما توانسته‌اید به ریزه‌کاری‌هایی، به دقت‌هایی، به سرفصلهای مهمی دست پیدا کنید و درباره‌ی این مسئله بیندیشید. بنابراین آن قضاوت این شد که جمهوری اسلامی به یک قله‌ای دست یافته است که ای بسا بسیاری از کشورهای عالم به آن دست نیافته‌اند.

یک مطلب را من اینجا عرض بکنم. مسئله‌ی زن و خانواده، با همه‌ی کاری که شده است - شما کرده‌اید، دیگران کرده‌اند - همچنان یک مسئله‌ی مهم و قابل بحث و قابل توسع در اندیشه‌ورزی است. این موضوع یکی از نشستهای اندیشه‌های راهبردی است که ان شاءالله در آینده آن را خواهیم داشت. نشستهای اندیشه‌های راهبردی که تاکنون نشست آن انجام گرفته و کارهای آن از لحاظ فکری و ان شاءالله بعداً برنامه‌ریزی و عمل دنبال خواهد شد، متکفل بررسی اساسی‌ترین و راهبردی‌ترین مسائل فکری جامعه است. یکی از این مسائل، مسئله‌ی زن و خانواده است که در فهرست این مسائل پیش‌بینی شده و در آینده برگزار خواهد شد. من همین جا از بانوان محترم، اندیشه‌ورزان زن - که امروز نمونه‌هایی از آن را بحمدالله اینجا دیدیم - درخواست میکنم که در این کار مشارکت جدی بکنید؛ بحث کنید، فکر کنید، مطالعه کنید؛ فصول مربوط به مسئله‌ی زن را به طور جداگانه، به طور تخصصی، به شکل علمی، با تکیه‌ی به منابع اسلامی و فکر ناب انقلابی - که خوشبختانه در شما هست - در نشست مربوط به این موضوع بررسی کنید؛ مطرح بشود، بحث بشود و ان شاءالله برای برنامه‌ریزی و عمل دنبال‌گیری شود.

درباره‌ی مسئله‌ی زن در جامعه، اساس مشکل، دو چیز است؛ دو نقطه‌ی اساسی است که اگر درباره‌ی این دو نقطه بشود فکری کرد، طرحی نو در انداخت و کار پیگیر و مستمری انجام داد، میتوان امیدوار بود که در طول زمان - میان مدت یا بلندمدت - آن چیزی که امروز میتوان آن را بحران مسئله‌ی زن در دنیا دانست، حل شود. آن دو چیز، یکی عبارت است از نگاه غلط و بد فهمیدن جایگاه زن و شأن زن در جامعه؛ که این نگاه و این بدفهمی از غرب شروع شده و خیلی هم قدیمی و ریشه‌دار نیست. آن کسانی که مدعی شدند که در پروتکل‌های اندیشمندان صهیونیست این مسئله وجود داشته، میشود حدس زد که این، خلاف واقع نیست. یعنی اگر نگاه کنیم، می‌بینیم این نگاه غلط، این



کج فهمی و بدفهمی در زمینه‌ی شأن زن در جامعه، شاید در حدود صد سال، صد و پنجاه سال بیشتر در غرب سابقه ندارد و از غرب سرریز شده است به جوامع دیگر، از جمله جوامع اسلامی. این يك نقطه است. نقطه‌ی دوم که اساس مشکل است، بد فهمیدن مسئله‌ی خانواده و بد عمل کردن در رفتارهای داخل خانواده است. این دو تا مشکل است که به نظر ما بحران مسئله‌ی زن را - که امروز يك مشکل اساسی در دنیاست - به وجود آورده. شاید تعبیر «بحران زن»، تعبیر تعجب‌آوری باشد. امروز مسئله‌ی بحران آب و هوا، بحران آب، بحران انرژی، بحران گرم شدن زمین، به عنوان مسائل اصلی بشریت مطرح میشود؛ اما هیچکدام از اینها مسائل اصلی بشریت نیست. بیشتر آن چیزهایی که مشکلات اصلی بشریت است، برمیگردد به مسائلی که ارتباط پیدا میکند با معنویت انسان، با اخلاق انسان، با رفتار اجتماعی انسانها با یکدیگر؛ که یکی از آنها مسئله‌ی زن و مرد، جایگاه زن، مسئله‌ی زن و شأن زن در جامعه است؛ که این حقیقتاً يك بحران است، منتها به رو نمی‌آورند، مطرح نمیکنند و سیاستهای مسلط در دنیا به صرفه‌ی خودشان نمیدانند و شاید برخلاف راهبردهای اصلی خودشان میدانند که این مسئله را مطرح کنند.

در مورد مسئله‌ی اول، که جایگاه زن در زندگی و در جامعه است - با هر تعبیری که میخواهید مطرح کنید، میشود از آن اسم برد - اشکال اینجاست که يك نامعاده‌ای را بتدریج به وجود آورده‌اند؛ يك طرف ذی‌نفع، يك طرف مورد انتفاع؛ بشریت را اینجوری تقسیم کرده‌اند. طرف ذی‌نفع مرد است، طرف مورد انتفاع عبارت است از زن. این به طور آرام، با تدریج، با شیوه‌های گوناگون، با تبلیغات مختلف، در طول ده‌ها سال - که شاید به صد سال، صد و پنجاه سال برسد، که من دقیق نمیتوانم بگویم و این مسئله قابل تحقیق است - در جوامع غربی در درجه‌ی اول، و بعد در جوامع دیگر جا افتاده. شأن اجتماعی زن را اینجوری معرفی کردند، اینجوری تعریف کردند: زن به عنوان يك موجودی که مورد انتفاع مرد باید قرار بگیرد. لذا در فرهنگ غربی اگر زن بخواهد در جامعه نمود پیدا کند، شخصیت پیدا کند، حتماً باید از جذابیت‌های جنسی خودش چیزی را ارائه بدهد. حتی در مجالس رسمی، نوع پوشش زن باید جوری باشد که برای طرف ذی‌نفع و منتفع - یعنی طرف مرد - چشم‌نواز باشد.

به نظر من بزرگترین ضربه، بزرگترین اهانت، بزرگترین حق‌کشی که در زمینه‌ی مسئله‌ی زن انجام گرفته، همین است. در محیط اجتماعی، فرهنگی شکل بگیرد که زن به عنوان يك طرف مورد انتفاع، برای استفاده‌ی يك طرف ذی‌نفع مطرح شود؛ این متأسفانه امروز در فرهنگ غربی وجود دارد. دیگران هم از آنها تقلید کردند، در راهش کوشش کردند، تلاش کردند و این در دنیا جا افتاده. اگر کسی خلاف این را بگوید، علیه او جنجال میکنند. فرض کنیم اگر در يك جامعه‌ای مسئله‌ی آرایش زنان و تبرج زنان در محیط‌های عمومی محکوم شود، جنجال بلند خواهد شد. اگر نقطه‌ی مقابل آن انجام بگیرد - یعنی در يك جامعه‌ای عربی‌نژاد زنان مطرح شود - هیچ سر و صدائی در دنیا بلند نمیشود. اما وقتی پوشش زن، عدم تبرج زن، آرایش نکردن زن در جامعه مطرح شود، دستگاه‌های مسلط تبلیغاتی دنیا سر بلند میکنند، جنجال میکنند؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که يك فرهنگی، يك سیاستی، يك راهبردی وجود دارد که سالهای متمادی است دنبال میشود و پایه‌اش این است که این جایگاه، این شأن، این موقعیت غلط و اهانت‌آمیز را برای زن تثبیت کنند؛ و متأسفانه کردند.

لذا شما می‌بینید در غرب با حجاب تدریجاً به صورت علنی دارد مخالفت میشود. عنوانی که برای این مخالفت ذکر میکنند، این است که میگویند حجاب نماد يك حرکت مذهبی است؛ ما نمیخواهیم در جوامع ما - که جوامع لائیک هستند - نمادهای مذهبی مطرح شوند. به نظر من این دروغ است؛ بحث مذهب و غیر مذهب نیست؛ بحث این است که سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن است و حجاب مخالف آن است. حتی اگر چنانچه حجاب ناشی از يك انگیزه و ایمان دینی هم نباشد، با آن مخالفت میکنند؛ مشکل اساسی این است. این مسئله آن وقت دنباله‌های خودش را، تبعات بسیار جانکاه خودش را در جوامع بشری به وجود آورده: مسئله‌ی سست شدن بنیان خانواده - گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای که يك نمونه‌اش را یکی از خانمهای محترم اینجا اشاره کردند - مسئله‌ی آمار گریه‌آور و تأسفبار تجارت زنان. امروز در دنیا طبق گزارشی که داده شده است - که این گزارش به نظرم گزارش سازمان ملل است؛ گزارش يك مرکز رسمی است - سریع‌الرشدترین تجارت‌های دنیا، تجارت زنان و قاچاق



زنان است. بدترین کشورها هم در این زمینه، چند تا کشورند؛ از جمله رژیم صهیونیستی است. زنان و دختران را با عنوان پیدا کردن کار و عنوان ازدواج و این حرفها، از کشورهای فقیر، از آمریکای لاتین، از برخی کشورهای آسیا، از برخی کشورهای فقیر اروپا جمع میکنند و میبرند آنها را در شرایط بسیار سختی تحویل مراکزی میدهند که انسان از تصور آنها و نام آنها تنش میبرد. همه‌ی اینها مبتنی است بر این نگاه غلط، این نامعادله‌ی ظالمانه در مورد جایگاه زن در جامعه. پدیده‌ی کودکان نامشروع - که بالاترین آمار کودکان نامشروع هم در آمریکاست - پدیده‌ی زندگی‌های مشترکی که بدون ازدواج انجام میگیرد؛ یعنی در حقیقت نابود کردن کانون خانواده و محیط گرم و صمیمی خانواده و برکات خانواده، محروم کردن بشر از این برکات، اینها همه ناشی از مشکل اول است؛ باید برای این، یک فکری کرد. باید جایگاه زن را تعریف کرد و در مقابل منطق هوجبگرانه‌ی غربی بجد ایستاد.

من یک وقتی گفتم؛ از من سؤال کردند که شما در مقابل آنچه که غربی‌ها درباره‌ی مسئله‌ی زن در کشور میگویند، چه دفاعی دارید؟ من گفتم: ما دفاع نداریم، ما هجوم داریم! ما در مسئله‌ی زن، از غرب طلبکاریم؛ ما مدعی غربیم؛ آنها هستند که دارند به زن ظلم میکنند، زن را تحقیر میکنند، جایگاه زن را پائین می‌آورند؛ به اسم آزادی، به اسم اشتغال، به اسم مسئولیت دادن، آنها را مورد فشارهای روحی، روانی، عاطفی و اهانت شخصیتی و شأنی قرار میدهند؛ آنها باید جواب بدهند. جمهوری اسلامی در این زمینه یک مسئولیتی دارد. جمهوری اسلامی در مسئله‌ی زن باید به طور صریح و بدون هیچ مجامله، حرف خودش را - که عمدتاً اعتراض به نگاه غربی و این نامعادله‌ی ظالمانه‌ی غربی است - بگوید. با این نگاه، آن وقت مسئله‌ی حجاب، مسئله‌ی نوع ارتباط زن و مرد، همه معنا پیدا میکند. این یک مسئله است.

مسئله‌ی بعدی - که در قضیه‌ی زن مشکل دومی است - مسئله‌ی خانواده است. نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، نظر خیلی روشنی است. «المرأة سیّدة بیتها»؛ (1) بزرگ خانه، زن خانه است؛ این از پیغمبر اکرم است. جایگاه زن در خانواده، همانی است که در گفتارهای گوناگون ائمه (علیهم‌السلام) آمده: «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة». (2) در تعبیرات عربی، قهرمان یعنی کارگزار، پادو، یک خدمتگزار محترم. میفرماید: در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ ریحانه است، گل خانه است. خطاب به مردان میفرماید: بهترین شما کسانی هستند که بهترین رفتارها را با همسرانشان دارند. اینها نظرات اسلام است و از این قبیل الی ماشاءالله وجود دارد. ولی در عین حال تحقق خواسته‌ی اسلام در خانواده، یک امری است که با این بیانات تمام نمیشود، حل نمیشود؛ احتیاج به پشتوانه‌ی قانونی، پشتوانه‌ی اجرائی و ضمانت اجرائی دارد؛ و این کار باید انجام بگیرد. این کار در طول سالهای متمادی گذشته انجام نگرفته است. خانواده‌هایی که متدین بودند، مردانی که از اخلاق خوب برخوردار بودند و پایبندی‌های شرعی داشتند، ملاحظاتی کردند؛ اما در مواردی که این خصوصیات نبوده، این ملاحظات نشده؛ به زن در داخل خانواده ظلم شده.

البته اینجور نیست که ما فکر کنیم غربی‌ها در این زمینه از ما جلویند؛ ابداً بنده آمارهای زیادی دارم، این خانم محترم هم آمارهایی را ذکر کردند؛ وضع داخلی خانواده‌های غربی از لحاظ مظلومیت زن و از لحاظ عدم رعایت حقوق زن، از وضع خانواده‌های اسلامی و ایرانی و شرقی یقیناً بدتر است؛ بهتر نیست، اگر بدتر نباشد؛ در مواردی حتماً بدتر است. ما به آنها که نگاه نمیکنیم، آنها که الگوی ما نیستند. ما در محیط خانواده کمبودهای زیادی داریم؛ احتیاج دارد به پشتوانه‌ی قانونی، به تضمین قانونی، به تضمین اجرائی؛ و این باید تحقق پیدا کند. این مسئله از جمله‌ی عرصه‌ها و میدانهایی است که در داخل کشور در این زمینه کم کار شده و باید کار شود.

از لحاظ نظر اسلام و متون اسلامی هم در این بخش از مسئله هیچ کمبودی وجود ندارد. ما می‌بینیم گاهی اوقات کسانی که منتقد تفکرات اسلامی هستند، سر قضیه‌ی ارث و دیه و این چیزها اشکال میکنند، در حالی که اشکالها وارد نیست؛ آنها پاسخهای منطقی و قوی دارد. اما در زمینه‌ی رفتارهای داخل خانواده، متأسفانه غالباً به غفلت گذرانده میشود؛ در حالی که نظر اسلام، نظر کاملاً روشنی است. محیط خانواده برای زن باید محیط امن، محیط عزت و محیط آرامش خاطر باشد تا زن بتواند آن وظیفه‌ی اساسی خودش را - که همین حفظ خانواده است - به بهترین وجهی انجام دهد.



در مورد نگاه اسلام به زن بحثهای زیادی شده است، ما هم بارها گفتیم. من مکرراً عرض کردم که نمونه برای انسان مؤمن و مرضی الهی، و انسان کافر و مردود درگاه پروردگار در قرآن، زن مطرح شده؛ این چیز جالبی است. قرآن وقتی میخواهد برای انسان خوب و انسان بد نمونه ذکر کند، هر دو را از زنان انتخاب میکند: «ضرب الله مثلا للذین کفروا امرأة نوح و امرأة لوط». (3) قرآن دو زن را به عنوان «مثل»، یعنی نمونه و نماد زنان بد معرفی میکند؛ همسر نوح و همسر لوط. بعد نقطه‌ی مقابل: «و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرأة فرعون». (4) به عنوان نماد زن خوب، زن برتر و زن مؤمن، دو نفر را معرفی میکند: یکی همسر فرعون است، یکی هم حضرت مریم است؛ «و مریم ابنت عمران التي احصنت فرجها». (5) جالب این است که هر چهار تائید این زنها خوبی و بدی‌شان مربوط به محیط خانواده است. در مورد آن دو زن بد - «امرأة نوح و امرأة لوط» - میفرماید: «كانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما»؛ (6) این دو زن به همسرانشان - که دو پیغمبر عالی‌شان و عالی‌مقام بودند - خیانت کردند. مسئله، مسئله‌ی خانواده است. موضوع آن دو زن دیگر هم مربوط به خانواده است؛ اولی که زن فرعون است، ارزش و اهمیت او این است که یک پیغمبر اولوالعزم را، یک موسای کلیم‌الله را در آغوش خود پرورش میدهد و به او ایمان می‌آورد و به او کمک میکند؛ لذا فرعون از او انتقام میگیرد. مسئله، مسئله‌ی درون خانواده است با این تأثیر و شعاع عظیم کاری که او کرده است، که یک موسائی را تربیت کرده. در مورد حضرت مریم هم همین جور است: «التي احصنت فرجها»؛ ناموس خود را حفظ کرد، عفت خود را حفظ کرد. این نشان‌دهنده‌ی این است که در محیط زندگی حضرت مریم (سلام الله علیها) عواملی وجود داشته که میتواند است تهدیدکننده‌ی عفت و ناموس یک زن عقیف باشد و او توانسته مبارزه کند. بنابراین همه‌اش ناظر به همین جنبه‌های مهمی است که عرض شد؛ جنبه‌ی خانواده و مسئله‌ی شأن زن در جامعه. بنابراین مسئله، مسئله‌ی مهمی است.

البته ما در جمهوری اسلامی پیشرفت داشتیم. نگاه من، نگاه خوشبینانه است. ما قبل از انقلاب را از نزدیک دیدیم. وضعی که آن روز کشور ما و جامعه‌ی ما و زنان ما به سمت آن می‌تاختند، وضعیت بسیار هولناک و خطرناکی بود. به خاطر خاصیت تقلیدی بودن کار در اینجا، گاهی وضعیت ظاهر زنان از آنچه که ما در عکسها و نقلها و گزارشها از زنها اروپائی میدیدیم یا میخواندیم هم بدتر بود! یک چنین وضعی را داشتند ترویج میکردند. البته زن ایرانی به خاطر گوهر ایمان که در او نهادینه بود، توانست بر این موج مخرب فائق بیاید؛ در انقلاب مشارکت اساسی داشته باشد؛ هم با حضور خود، هم با تشویق مردان؛ و یک پایه‌ی اساسی پیروزی انقلاب بشود. بعد از انقلاب هم که حرکت زنان، حرکت فوق‌العاده‌ای است.

من لازم است عرض بکنم؛ این همسران مجاهدان راه حق و مبارزان و سرداران و مادران آنها حقیقتاً آیتی هستند از صبر و مقاومت. شرح حال اینها را که انسان نگاه میکند و میخواند، رنجهای اینها را که ملاحظه میکند - البته بانوانی که قبل از انقلاب همسر مبارزینی بودند که سختی‌هایی را تحمل میکردند، نمونه‌هایی هم در آنجا دیده میشد؛ لیکن نمونه‌های کامل در دوره‌ی دفاع مقدس بود - می‌بیند این همسران چه کشیدند، این مادران چه کشیدند. اینها فرزندان را فرستادند جبهه‌ها؛ بسیاری از آنها شهید شدند، جانباز شدند و این اسوه‌های صبر و مقاومت مثل کوه، استوار ایستادند. این در عرصه‌ی مسائل معنوی و انسانی. در عرصه‌ی مسائل سیاسی و در عرصه‌ی مسائل علمی هم کشور بحمدالله پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشته است. این همه زنان دانشمند، استاد در رشته‌های مختلف علمی، در علوم حوزوی، در علوم دانشگاهی - که نمونه‌ای از آنها خوشبختانه شما حضار محترم هستید که در اینجا حضور دارید - همه نشان‌دهنده‌ی موفقیت جمهوری اسلامی است. نگاه من، این نگاه است. این نگاه، دل را به آینده امیدوار میکند. ما با همین حرکت و با همین شتاب ان‌شاءالله پیش برویم، قطعاً خواهیم توانست بر فرهنگ غلط غربی و رائج در دنیا فائق بیائیم. باید کار کرد، باید تلاش کرد، باید دنبال‌گیری کرد. نگاه، نگاه خوشبینانه است؛ منتها این نگاه خوشبینانه نباید مانع بشود از اینکه ضعفها را ببینیم. ما درجاتی پیش رفتیم، اما ای بسا ده برابر این ممکن بود پیش برویم. آنچه که موجب شد نتوانیم در آن حد جلو برویم، همین ضعفها و مشکلاتی است که وجود داشته؛ که شما به بعضی از آنها اشاره کردید، و مشکلات دیگری هم وجود داشته که باید برطرف شود. آنچه که من میخواهم در پایان عرایض عرض کنم، این است که عمده‌ی کار را خود بانوان باید انجام بدهند. شما



هستید که میتوانید فکر کنید، اندیشه‌ورزی کنید، مطالعه کنید، معضلات را در مقام نظر و اندیشه حل کنید و در مقام عمل راهکار اجرائی ارائه بدهید. این، کار را بسیار آسان و نزدیک خواهد کرد. البته در این جلسه بانوان محترم\_پیشنهادهایی هم دادند؛ بعضی از اینها کاملاً عملی است و دم دست است و میشود اجرا کرد، اقدام کرد، برای بعضی هم میتوان زمینه‌سازی کرد.

به هر حال امیدواریم ان شاء الله جامعه‌ی زنان کشورمان جزو موفق‌ترین جوامع باشند و دختران جوان ما ان شاء الله بتوانند در این زمینه‌ای که شما به وجود آوردید، گامهای بلندتری بردارند و روزبه‌روز ان شاء الله به اهداف عالی‌های اسلامی نزدیکتر شویم. ان شاء الله این جلسه هم برکات خودش را در این عرصه باقی خواهد گذاشت. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(1) نهج الفصاحة، ص 614

(2) نهج البلاغه، نامه‌ی 31

(3) تحریم: 10

(4) تحریم: 11

(5) تحریم: 12

(6) تحریم: 10